روی موج کوتاه

وزیر کشور خبر داد؛

توافق ایران و ترکیه برای فعال‌سازی مرز جدید در منطقه سلماس

وزیر کشور از توافق ایران و ترکیه برای فعال‌سازی یک مرز جدید در منطقه سلماس و تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای توسعه همکاری‌های امنیتی، انتظامی و مرزی دو کشور خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، اسکندر مؤمنی در تشریح نتایج دیدار خود با مصطفی چیفتچی، وزیر کشور ترکیه، در آنکارا گفت: این دیدار در فضایی بسیار خوب و صمیمی برگزار شد و دو طرف درباره توسعه همکاری‌های مرزی، امنیتی، انتظامی و پلیسی گفت‌وگو کردند. وی افزود: پیش‌بینی می‌کنم این مرز در اولین فرصت بازگشایی شود. درباره مرز پنجم در منطقه چالدران نیز مقرر شد مطالعات بیشتری انجام شود.

سوئد کارمند سفارت ایران را اخراج و سفیر را احضار کرد

وزارت خارجه سوئد می‌گوید که سفیر ایران را احضار کرده و از یکی از مقام‌های سفارت ایران در استکهلم هم خواسته است سوئد را ترک کند. این وزارتخانه دلیل این تصمیم را انجام فعالیتی «ناسازگار با کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک» اعلام کرده، اما توضیح بیشتری درباره ماهیت این فعالیت نداده است. روابط تهران و استکهلم در سال‌های اخیر پرتنش بوده است. سوئد پیشتر نیز در ارتباط با بازداشت شهروندان سوئدی در ایران، دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را احضار کرده بود. کنوانسیون وین قواعد و امتیازهای مربوط به ماموریت‌های دیپلماتیک را تعیین می‌کند.

صدراعظم آلمان:

ایران باید به مسدودسازی تنگه هرمز پایان دهد

صدراعظم آلمان مدعی شد: ایران باید سرانجام به مسدودسازی تنگه هرمز پایان دهد و مهم‌تر از همه، برنامه هسته‌ای نظامی خود را متوقف کند. فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، در نشست خبری مشترک با علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، در برلین مدعی شد که ایران در پی گسترش درگیری‌ها به خاک عراق است و از ایران می‌خواهیم که درگیری را به داخل عراق نکشاند. به گزارش فرارو به نقل از آناتولی، وی گفت: بانخست وزیر عراق درباره تحولات منطقه‌ای، از جمله پیامدهای تنش میان آمریکا و ایران و مسئله مسدودسازی تنگه هرمز، گفتگو شد. مرتس افزود که برلین از ابتکار دولت عراق برای خلع سلاح شبه‌نظامیان و تلاش‌های این دولت برای برقراری صلح و امنیت حمایت می‌کند.

ونس:

جنگ با ایران در ماه‌های آینده وارد مرحله بسیار متفاوتی می‌شود

معاون دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای اختصاصی با روزنامه «نیویورک پست» گفت که جنگ ایالات متحده با ایران در ماه‌های آینده وارد «مرحله‌ای بسیار متفاوت» خواهد شد. جی‌دی ونس، اظهار کرد که با اظهارات دونالد ترامپ که گفته بود جنگ بلافاصله پس از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا به پایان خواهد رسید، موافق است. او همچنین افزود: «قطعا درک می‌کنم که مردم آمریکا تا حدی بی‌طاقت شده‌اند، اما ایالات متحده درگیر عملیات تهاجمی نیست؛ آنچه در جریان است، این است که ایرانی‌ها گاهی به سمت کشتی‌های تجاری شلیک می‌کنند؛ هرچند معمولا موفق نیستند.»

پاکستان:

توافق مکه روابط با ایران را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد

سخنگوی ارتش پاکستان، گفت: توافق مکه روابط پاکستان با ایران را پیچیده نخواهد کرد و بر روابط راهبردی این کشور با چین نیز تأثیری نخواهد گذاشت. به گفته وی، این توافق به‌عنوان یک سپر دفاعی مشترک با هدف برقراری صلح، ثبات و امنیت منطقه طراحی شده و هدف آن تجاوز یا اقدام تهاجمی نیست.

اعتراض در جلسه وزیر خزانه‌داری آمریکا؛

تحریم‌ها ایرانی‌ها را می‌کشند

در جریان سخنرانی اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در برابر کمیته خدمات مالی مجلس نمایندگان این کشور، دو معترض با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به تحریم‌های آمریکا علیه ایران و کوبا، جلسه را مختل کردند و توسط پلیس کنگره از سالن خارج شدند. به گزارش فرارو، نخستین معترض در حالی که به سمت بسنت فریاد می‌زد، پلاکاردی با مضمون «تحریم‌ها ایرانی‌ها را می‌کشند» در دست داشت. پس از آن، معترض دیگری با حرکتی مشابه و با پلاکاردی با مضمون «تحریم‌ها کوبایی‌ها را می‌کشند» سخنرانی وزیر خزانه‌داری آمریکا را قطع کرد. پلیس کنگره آمریکا هر دو معترض را به سرعت از محل برگزاری جلسه خارج کرد. گزارش‌های همزمان نیز از چندین مورد وقفه و اعتراض در جریان شهادت بسنت حکایت دارد.

بررسی ترور مولوی یوسف گرگیج در کمیسیون امنیت ملی

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس از بررسی حادثه تروریستی و به شهادت رساندن مولوی یوسف گرگیج، از علمای اهل سنت به‌صورت همه‌جانبه در این کمیسیون خبر داد. ابراهیم عزیزی طی پیامی در پی ترور و به شهادت رسیدن مولوی یوسف گرگیج، از علمای اهل سنت توسط دشمنان، تاکید کرد: بدون تردید عوامل و طراحان این اقدامات باید شناسایی و با آنان قاطعانه برخورد شود تا هم فریب‌خوردگان داخل و هم اربابان آنها در خارج، دیگر جرات تعدی و دست‌اندازی به علما و مردم شریف اهل سنت ما را نداشته باشند.

کمالوندی:

اقدام اتریش پیگیری می‌شود

سخنگوی سازمان انرژی اتمی درباره پیگیری دیپلماتیک ممانعت از سفر اسلامی به نشست وین، با تأکید بر اینکه اتریش باید پاسخ‌دهد چرا بر خلاف وظایف خود به‌عنوان کشور میزبان، مانع این سفر شده است، گفت: «این موضوع قطعاً از کانال‌های خودش پیگیری می‌شود. بهروز کمالوندی در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار ایرنا گفت که کاردار اتریش در غیاب سفیر این کشور در تهران فراخوانده شده و اعتراض و یادداشت رسمی ایران به طرف اتریشی ارائه شده است.

وانگ یی همزمان با رایزنی با تهران و واشنگتن، بازگشت به تفاهم‌نامه و بازگشایی هرمز را مطالبه کرد

ورود چین به معادله دیپلماتیک بحران

نهال فرخی

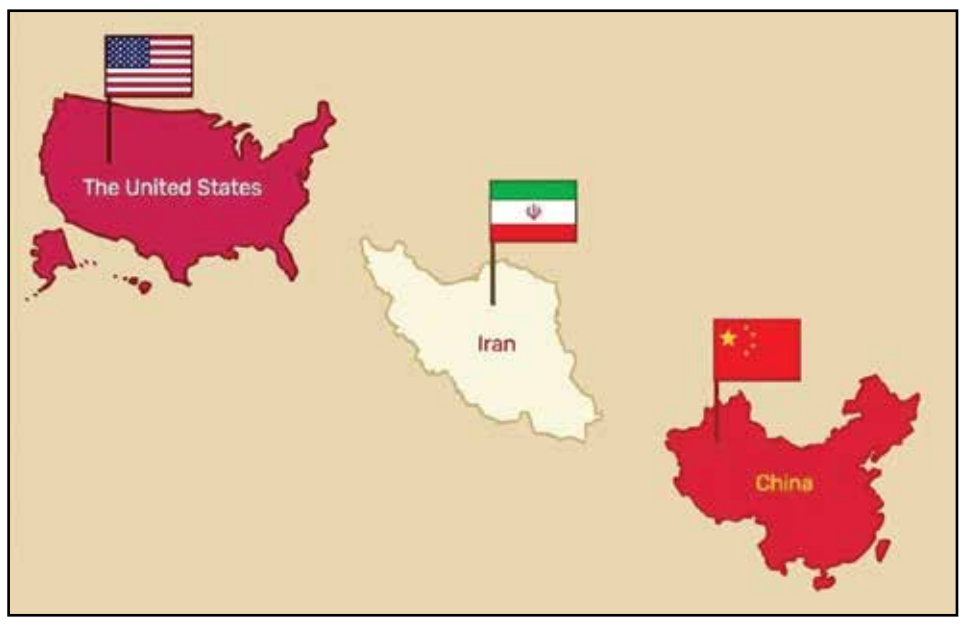

عباس عراقچی در یکی از حساس‌ترین مقاطع بحران ایران و آمریکا به پکن رفت؛ سفری که اهمیت آن نه‌فقط به آنچه پشت درهای بسته میان وزیران خارجه ایران و چین گذشته، بلکه بیش از هر چیز به زمان انجام آن بازمی‌گردد.

وزیر خارجه ایران درست در روزهایی با وانگ یی دیدار کرده که مسیر دیپلماسی میان تهران و واشنگتن همچنان با بن‌بست روبه‌روست، تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین گره‌های سیاسی و اقتصادی جنگ تبدیل شده، دامنه بحران در یمن و دریای سرخ رو به گسترش است و همزمان واشنگتن نیز برای افزایش فشار بر شبکه‌های مالی و نفتی مرتبط با ایران، خود را برای دور تازه‌ای از مذاکرات با چین آماده می‌کند.

وزارت خارجه چین یک روز پیش از سفر اعلام کرده بود عراقچی به پکن خواهد رفت و وانگ یی با او مذاکره خواهد کرد. اما آن چه در جریان این دیدار مطرح شد، سفر وزیر خارجه ایران را از یک رایزنی معمول دوجانبه فراتر برد. وانگ یی از ایران و آمریکا خواست به تفاهم اسلام‌آباد بازگردند و درباره مسائل باقی‌مانده وارد رایزنی‌های «جدی و اساسی» شوند. او همزمان خواستار اتخاذ اقدامات مؤثر برای بازگشایی تنگه هرمز شد و هشدار داد که چین نمی‌خواهد شاهد کشیده‌شدن تنش‌های منطقه‌ای به یمن و دریای سرخ باشد.

به این ترتیب، وزیر خارجه چین چهار مساله‌ای را که طی ماه‌های گذشته جداگانه در کانون بحران قرار گرفته بودند، در یک چارچوب واحد قرار داد: بازگشت به تفاهم اسلام‌آباد، از سرگیری مذاکرات ایران و آمریکا، بازگشایی هرمز و جلوگیری از گسترش جغرافیایی جنگ. کنار هم قرار گرفتن این چهار محور شاید مهم‌ترین پیام دیدار امروز پکن باشد؛ نشانه‌ای از اینکه چین می‌خواهد بیش از گذشته در معادله دیپلماتیک بحران حضور داشته باشد، هرچند هنوز نمی‌توان از پکن به‌عنوان «میانجی رسمی» ایران و آمریکا نام برد.

چرا عراقچی حالا به پکن رفت؟

اهمیت سفر عراقچی زمانی بیشتر مشخص می‌شود که تقویم دیپلماتیک روزهای آینده را در کنار آن قرار دهیم. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، قرار است آخر هفته با هه لیفنگ، معاون نخست‌وزیر چین، مذاکره کند. بسنت نیز صریحا گفته است ایران و روابط مالی چین با تهران از موضوعات این گفت‌وگوها خواهد بود. مذاکراتی که در آستانه دیدار برنامه‌ریزی شده دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ در ۲۴ سپتامبر انجام می‌شود؛ هرچند پکن هنوز این دیدار را رسماً تأیید نکرده است.

بنابراین عراقچی در شرایطی به پکن رسیده که تنها تهران نیست که می‌خواهد درباره پرونده ایران با چینی‌ها حرف بزند؛ واشنگتن نیز همین پرونده را روی میز مذاکرات خود با پکن گذاشته است.

هنوز برای معرفی چین به‌عنوان «میانجی جدید» ایران و آمریکا زود است. پکن تاکنون بیشتر نقش تسهیل‌کننده، حامی مذاکرات و بازیگری را ایفا کرده که با هر دو طرف امکان گفت‌وگو دارد. چین از تلاش‌های پاکستان حمایت کرده، از تفاهم اسلام‌آباد استقبال کرده اما هنوز نشانه‌ای از ایجاد میانجیگری چینی میان تهران و واشنگتن وجود ندارد

این همزمانی، معنای سیاسی سفر را تغییر می‌دهد. نمی‌توان بدون سند گفت وزیر خارجه ایران حامل پیامی برای ترامپ است یا پکن قرار است میان تهران و واشنگتن پیام‌رسانی کند. اما روشن است که سفر عراقچی این امکان را در اختیار تهران قرار می‌دهد که درست پیش از مذاکرات سطح بالای چین و آمریکا، روایت، مطالبات و خطوط قرمز خود را مستقیماً در اختیار یکی از طرف‌های آن گفت‌وگو قرار دهد. به بیان دیگر، تهران پیش از آن که واشنگتن درباره ایران با پکن مذاکره کند، خود به پکن رفته است.

نسخه پکن برای خروج از بحران

اظهارات وانگ یی نشان می‌دهد چین برای خروج از وضعیت کنونی، نقطه آغاز مشخصی را در نظر گرفته است: تفاهم اسلام‌آباد. این نخستین بار نیست که چین چنین موضعی می‌گیرد. وانگ یی در ۱۷ ژوئن و پس از شکل‌گیری مرحله نخست تفاهم ایران و آمریکا نیز از آن استقبال کرده بود. عراقچی در همان زمان در تماس تلفنی با همتای چینی خود از «نقش مثبت» پکن در پیشبرد مذاکرات تشکر کرد و چین نیز ضمن حمایت از تلاش‌های میانجیگرانه پاکستان، بر اجرای تعهدات و حل مسئله کشتیرانی در تنگه هرمز تأکید کرد.

در دیدار دیگری در ۲۸ ژوئیه نیز همین اختلاف آشکار بود. عراقچی گفته بود نقض تفاهم از سوی آمریکا به تشدید تنش‌ها منجر شده و از واشنگتن خواسته بود به تعهدات خود بازگردد. وانگ یی در مقابل، بر حل اختلافات از طریق مذاکره و «از سرگیری اجرای اجماع حاصل شده در تفاهم» تأکید کرده بود.

اظهارات روز چهارشنبه در واقع ادامه همان خط است؛ با این تفاوت که بحران اکنون ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است.

در این نقطه، یک تفاوت ظریف اما مهم میان مواضع تهران و پکن وجود دارد. ایران بازگشت وضعیت هرمز به شرایط عادی را به بازگشت آمریکا به تفاهم اسلام‌آباد گره می‌زند و واشنگتن را مسئول شکسته‌شدن مسیر قبلی می‌داند. چین اما خطاب خود را متوجه هر دو طرف کرده که ایران و آمریکا باید به تفاهم بازگردند، درباره مسائل باقی‌مانده مذاکره کنند و همزمان برای بازگشایی هرمز اقدام شود و این تفاوت نشان می‌دهد که پکن اگرچه شریک راهبردی تهران است، الزاماً تمام بحران را از زاویه ایران نمی‌بیند.

هرمز؛ جایی که منافع دو شریک یکی نیست

شاید مهم‌ترین نمونه نیز در این میان تنگه هرمز باشد. چین از یک طرف روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با ایران دارد و بارها با استفاده از نیروی نظامی علیه تهران و تحریم‌های یکجانبه آمریکا مخالفت کرده اما از سوی دیگر، دومین اقتصاد بزرگ جهان به جریان انرژی و امنیت مسیرهای تجارت دریایی وابسته است و اختلال طولانی‌مدت در هرمز مستقیماً منافع اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به همین دلیل، پکن از ماه‌ها قبل دو موضع را همزمان پیش برده که حقوق و امنیت ایران به‌عنوان کشور ساحلی تنگه هرمز باید محترم شمرده شود و در عین حال آزادی و امنیت کشتیرانی نیز باید تضمین شود. پکن می‌تواند با فشار نظامی آمریکا بر ایران مخالفت کند، در عین حال از تهران بخواهد هرمز را باز کند. می‌تواند روابط راهبردی خود با ایران را حفظ کند و همزمان نسبت به پیامدهای اقدامات تهران برای بازار انرژی نگران باشد.

نگرانی از اتصال هرمز به باب‌المندب

اما تحولات روزهای اخیر یمن نگرانی از گسترش جغرافیایی بحران را افزایش داده و رویترز روز چهارشنبه گزارش داد تحولات میدانی اخیر در یمن، موقعیت حوثی‌ها را در بخش‌هایی از ساحل دریای سرخ و اطراف باب‌المندب تقویت کرد. در همین حال، یک گزارش دیگر رویترز از دیدار محرمانه مقام‌های آمریکایی با نمایندگان حوثی‌ها در مسقط خبر داد؛ دیداری که با میانجیگری عمان صورت گرفته و محور آن نیز امنیت دریای سرخ بوده است.

برای چین، اتصال بحران هرمز به دریای سرخ یک سناریوی نگران‌کننده است. هرمز در شرق و باب‌المندب در غرب، دو گذرگاه حیاتی زنجیره انتقال انرژی و تجارت دریایی هستند. اگر هر دو همزمان درگیر یک بحران امنیتی پایدار شوند، پیامدهای جنگ ایران دیگر محدود به تهران، واشنگتن یا حتی خلیج فارس نمی‌ماند. از همین رو، هشدار وانگ یی درباره یمن را نباید جمله‌ای حاشیه‌ای در یک ملاقات دیپلماتیک دانست. پکن عملاً درباره تبدیل یک جنگ منطقه‌ای به بحرانی که دو آبراه استراتژیک را همزمان تحت تأثیر قرار دهد، هشدار می‌دهد.

آمریکا هم راهی پکن است

اما ضلع دیگری از سفر عراقچی به چین در واشنگتن شکل می‌گیرد. دولت ترامپ در هفته‌های گذشته فشار اقتصادی علیه ایران را تشدید کرده و بخشی از این فشار مستقیماً متوجه ارتباطات مالی و تجاری ایران با چین شده است. بسنت قرار است در مذاکرات آخر هفته خود با هه لیفنگ درباره همین روابط گفت‌وگو کند. رویترز گزارش داده واشنگتن در قالب کارزار اقتصادی خود علیه تهران، شرکت‌ها و شبکه‌هایی را که به تجارت ایران کمک می‌کنند هدف قرار داده و برخی پالایشگاه‌های چینی نیز در این چارچوب با تحریم روبه‌رو شده‌اند؛ هرچند اقدامات آمریکا تاکنون بیشتر متوجه شرکت‌های کوچک‌تر بوده است. این وضعیت پکن را در موقعیتی کم‌وبیش منحصربه‌فرد قرار داده است.

چین هم شریک مهم اقتصادی ایران است و هم طرف مذاکره مستقیم آمریکا؛ هم خواستار پایان جنگ است و هم منافع مستقیمی در بازگشایی هرمز دارد؛ هم با تحریم‌های یکجانبه واشنگتن مخالفت می‌کند و هم روابط اقتصادی بسیار گسترده‌تری با آمریکا و اقتصاد جهانی دارد که تهران تنها بخشی از آن است.

پکن در درجه نخست براساس مجموعه منافع خود عمل می‌کند و همین مسئله هم ظرفیت و هم محدودیت نقش‌آفرینی چین در بحران را توضیح می‌دهد.

ایران روی میز شی و ترامپ

حالا نگاه‌ها به ۲۴ سپتامبر است. دیدار مورد انتظار شی جین‌پینگ و دونالد ترامپ، در صورت برگزاری، دستور کاری بسیار بزرگ‌تر از ایران خواهد داشت؛ از تجارت و تعرفه‌ها گرفته تا فناوری و رقابت راهبردی دو کشور؛ اما اظهارات بسنت نشان می‌دهد پرونده ایران و روابط مالی چین با تهران نیز در گفت‌وگوهای دو طرف حضور خواهد داشت.

همین مساله نیز اهمیت سفر امروز عراقچی را دوچندان می‌کند. وزیر خارجه ایران در فاصله کوتاهی پیش از این گفت‌وگوها با وانگ یی روبه‌رو شده و درباره همان مسائلی مذاکره کرده که بخشی از آن احتمالاً در گفت‌وگوهای آمریکا و چین نیز مطرح خواهد شد که جنگ، هرمز، مسیر دیپلماسی و روابط اقتصادی ایران بخشی از آن است.

این البته به معنای شکل‌گیری یک مذاکرات سه‌جانبه نیست. نه تهران چنین چیزی اعلام کرده، نه پکن و نه واشنگتن؛ اما یک مثلث دیپلماتیک بالفعل ایجاد شده و تهران با پکن درباره آمریکا گفت‌وگو می‌کند و واشنگتن نیز با پکن درباره ایران مذاکره خواهد کرد.

پکن؛ شریک یا میانجی؟

با این همه، هنوز برای معرفی چین به‌عنوان «میانجی جدید» ایران و آمریکا زود است. پکن تاکنون بیشتر نقش تسهیل‌کننده، حامی مذاکرات و بازیگری را ایفا کرده که با هر دو طرف امکان گفت‌وگو دارد.

چین از تلاش‌های پاکستان حمایت کرده، از تفاهم اسلام‌آباد استقبال کرده و بارها خواستار پایان جنگ شده است؛ اما هنوز نشانه‌ای از ایجاد یک سازوکار رسمی میانجیگری چینی میان تهران و واشنگتن وجود ندارد.

چین اکنون در نقطه تلاقی تقریباً تمام مسیرهای اصلی بحران قرار گرفته و شریک راهبردی ایران است؛ آمریکا می‌خواهد درباره روابط مالی تهران و پکن با چین مذاکره کند؛ امنیت هرمز برای اقتصاد چین اهمیت مستقیم دارد؛ گسترش جنگ به یمن و دریای سرخ می‌تواند مسیرهای تجارت جهانی را بیشتر مختل کند؛ و رهبر چین نیز در آستانه دیدار مورد انتظار با رئیس جمهور آمریکاست. در چنین شرایطی، سفر عراقچی به پکن دیگر تنها بخشی از روابط دوجانبه ایران و چین نیست.

تهران در واقع درست زمانی با پکن مذاکره کرده که واشنگتن نیز برای گفت‌وگو با همان پکن درباره ایران آماده می‌شود. شاید هنوز هیچ «خط ویژه» یا طرح صلح تازه‌ای شکل نگرفته باشد، اما مرکز ثقل بخشی از دیپلماسی جنگ آشکارا به شرق منتقل شده است.

پرسش اصلی از این پس این نیست که چین «طرف ایران» است یا «طرف آمریکا»؟ پکن طرف منافع خودش است؛ منافعی که در این مقطع با پایان جنگ، بازگشایی هرمز، جلوگیری از سرایت بحران به دریای سرخ و بازگشت تهران و واشنگتن به مذاکره گره خورده است.

از این منظر، مهم‌ترین نکته سفر عراقچی شاید نه توافقی باشد که امروز در پکن اعلام نشده، بلکه زمان سفر باشد: وزیر خارجه ایران پیش از آن که پرونده تهران وارد دور تازه گفت‌وگوهای واشنگتن و پکن شود، خود را به چین رسانده است.

حالا باید دید چین تا کجا حاضر است از وزن اقتصادی و سیاسی خود برای نزدیک کردن دو طرف به تفاهم اسلام‌آباد استفاده کند؛ و مهم‌تر، آیا تهران و واشنگتن حاضرند از نقطه‌ای که هر کدام دیگری را مسئول شکست آن می‌دانند، دوباره مسیر مذاکره را آغاز کنند؟

گفت و گو

محمد مهاجری:

اصولگرایان باید کمی مؤدب‌تر و متخلق‌تر باشند!

فعال سیاسی اصولگرا در گفتگو با مبلغ اظهار داشت: من گاهی در مراسم شبانه شرکت می‌کنم و می‌بینم یا در فضای مجازی منتشر می‌شود که برخی از کسانی که مرتکب الفاظ رکیک، توهین و حرف‌های زشت و سخیف می‌شوند، از میان معممین یا افراد متدین جامعه هستند؛ دست‌کم ظاهرشان با آدم‌های متدین تطبیق دارد. بعضی از عزیزان مداح را هم در همین موضوع می‌بینم. مشاجرات سیاسی در ایران طی سال‌های گذشته بارها با اتهام‌زنی، نسبت دادن سخنان نادرست، توهین و بی‌اخلاقی همراه شده است؛ روندی که به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر بیش از گذشته به فضای عمومی و سیاسی کشور راه یافته است. در این میان، نقد عملکرد افراد و نهادها می‌تواند بدون محدودیت سیاسی یا علمی مطرح شود، اما رعایت مرزهای اخلاقی همچنان ضرورتی جدی است. مبلغ -محمد عارف معزی: استفاده از جایگاه‌های دینی برای توهین و تخریب نیز از جمله مسائلی است که می‌تواند علاوه بر تشدید تنش‌های سیاسی، چهره دین را در افکار عمومی مخدوش کند. از سوی دیگر، بی‌توجهی به تهمت، افترا و هتک حیثیت مسئولان می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی منجر شود. رعایت اخلاق سیاسی از سوی جریان‌های سیاسی، به‌ویژه جریان اصولگرا، می‌تواند در کاهش چرخه متقابل توهین و تخریب در فضای سیاسی کشور مؤثر باشد. در همین راستا، محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا در گفتگو با پایگاه فکر و فرهنگ مبلغ، به بررسی این موارد پرداخته است.

در ادامه مشروح گفتگوی محمد مهاجری با مبلغ را می‌خوانید؛

توهین چاشنی اصلی مشاجرات سیاسی شده است

آقای مهاجری، در فضای سیاسی امروز شاهدیم که نقد عملکرد مسئولان گاهی از نقد سیاسی عبور می‌کند و به توهین، فحاشی و حتی نسبت‌های سنگین درباره شخصیت‌های سیاسی می‌رسد. به نظر شما این تغییر ادبیات سیاسی از کجا ناشی می‌شود؟ آیا این مسئله را باید بخشی از رادیکال شدن فضای سیاسی دانست یا ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی عمیق‌تری دارد؟

نقد واقعاً نباید هیچ مرزی داشته باشد. نه مرز سیاسی و نه مرز علمی نباید برای نقد قائل شد. هر کسی درباره عملکرد یک سازمان یا یک فرد، چه مسئول عالی‌رتبه کشور باشد و چه هر مقام دیگری، وقتی از آن فرد یا عملکرد او انتقاد می‌کند، باید بتواند هر چیزی را که به ذهنش می‌رسد مطرح کند. سال‌های طولانی است، شاید از همان نخستین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، با دعواهای سیاسی‌ای مواجه هستیم که متأسفانه با بی‌اخلاقی همراه شده‌اند. این بی‌اخلاقی گاهی شامل انتشار و نسبت دادن حرف‌های دروغ به رقبای سیاسی است، گاهی اوقات به شکل تهمت زدن و نسبت دادن سخنان نادرست به دیگران بروز پیدا می‌کند و توهین هم معمولاً چاشنی اصلی این مشاجرات سیاسی است. شاید بتوان گفت چیزی به نام اخلاق سیاسی، که حتی در سطح اخلاق عادی، مردمی و خانوادگی هم رعایت می‌شود، در این مراودات سیاسی واقعاً غایب است.

در تجمعات شبانه، به اسم دین به چهره‌های سیاسی فحاشی می‌کنند

اگر فردی به یک مقام سیاسی - مثلاً رئیس جمهور، وزیر یا نماینده مجلس - توهین یا فحاشی کند، آیا جایگاه سیاسی او در حکم شرعی یا حقوقی مسئله تأثیری دارد؟ به عبارت دیگر، آیا توهین به یک مسئول صرفاً به دلیل اینکه مسئول است، حکم متفاوتی با توهین به یک شهروند عادی دارد یا اصل حرمت آبروی انسان در هر دو مورد یکسان است؟

مسئولان قضایی کشور نباید نسبت به این موضوع که مسئولان کشور مورد هتک حیثیت و هتک حرمت قرار بگیرند و به آنها تهمت زده شود، کوتاهی کنند بدتر از آن، این است که متأسفانه به‌خصوص در این شب‌ها، من گاهی در مراسم‌های شبانه شرکت می‌کنم و می‌بینم یا در فضای مجازی منتشر می‌شود که برخی از کسانی که مرتکب الفاظ رکیک، توهین و حرف‌های زشت و سخیف می‌شوند، از میان معممین یا افراد متدین جامعه هستند؛ دست‌کم ظاهرشان با آدم‌های متدین تطبیق دارد.

مجلس نمایندگان آمریکا خواستار شد

توقف اقدام نظامی ترامپ در ایران بدون مجوز کنگره

خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشت: مجلس نمایندگان آمریکا برای سومین بار به پایان جنگ با ایران رای داد و قطعنامه‌ای را تصویب کرد که توانایی دولت دونالد ترامپ برای ادامه تجاوز نظامی به ایران بدون تصویب کنگره را محدود می‌کند.

به گزارش ایرنا، این خبرگزاری آمریکایی افزود: این طرح با ۲۲۰ رای موافق در برابر ۲۰۴ رای مخالف، مشابه تلاش‌های اولیه این نهاد کنگره در تابستان امسال بود.

هیچ یک از این قطعنامه‌ها به میز رئیس جمهوری آمریکا نرسیده است. ترامپ قطعا این قطعنامه‌ها را وتو خواهد کرد.

سِت مولتون نماینده دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا از ایالت ماساچوست که در جنگ عراق در نیروی دریایی خدمت می‌کرد و از ارائه دهندگان این قطعنامه گفت: فراموش نکنید وقتی که ترامپ اعلام کرد این جنگ چند هفته طول خواهد کشید؟ اکنون وقت آن رسیده که کنگره «به جای تسلیم در برابر یک دولت جنگ طلب دیگر، پرسش‌های چالش برانگیزی را مطرح کند زیرا قانون اساسی این را از ما می‌خواهد.

احتمالا این آخرین تلاش مجلس نمایندگان آمریکا برای رای دادن به قطعنامه توقف جنگ علیه ایران تا قبل از انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا خواهد بود؛ انتخاباتی که جنگ‌های خارجی نقش مهمی را در کارزارهای سیاسی آن ایفا می‌کند. جنگی که آمریکا علیه ایران در ۹ اسفند ماه به راه انداخت در تقریبا هفت ماه منطقه را دچار ناآرامی کرده است.

رای دهندگان آمریکایی با افزایش قیمت‌ها به ویژه بنزین مواجه هستند و کمیته بودجه کنگره روز سه شنبه اعلام کرد که جنگ ایران بیش از ۳۸ هزار میلیارد دلار تا اول آگوست (۱۰ مرداد) هزینه داشته است و پیش بینی می‌شود بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار ماهانه و با توجه به شدت جنگ هزینه داشته باشد.

مجلس نمایندگان آمریکا نخست در ماه ژوئن (خرداد) و سپس در ماه ژوئیه (تیر) قطعنامه‌ای را که خواستار توقف جنگ ایران بود تصویب کرد. سنای آمریکا نیز در دهمین تلاش خود قطعنامه اختیارات جنگی را تصویب کرد اما سناتورهای جمهوری خواه بسرعت روز بعد از آن و بعد از انتقاد ترامپ پشت درهای بسته، از این رای خود عقب‌نشینی کردند.

در حالی که طبق قانون اساسی آمریکا کنگره باید مجوز جنگ را صادر کند این قانون در عین حال اختیاراتی را به رئیس جمهوری آمریکا به عنوان فرمانده کل قوا می‌دهد که در برخی اقدامات نظامی مداخله کند. قانون اختیارات جنگی بعد از جنگ ویتنام وضع شد و به دنبال محدودیت‌های بیشتر در قدرت رئیس جمهوری برای تصمیم گیری‌های جنگی بود. این قانون به تصویب کنگره بعد از ۶۰ تا ۹۰ روز اقدام نظامی نیاز دارد.

کوروش احمدی در مورد ایده محسن رضایی:

اگر تنگه هرمز باز نباشد تحریم کشتی‌ها چه فایده‌ای دارد؟

دیپلمات پیشین درباره اظهارات اخیر محسن رضایی درباره راهبرد جدید ایران در تنگه هرمز و طرح موسوم به «مسیر ممنوعه» گفت: «من خیلی متوجه منظور سردار رضایی نشدم. در شرایطی که به‌دلیل محاصره، کشتی‌ها امکان تردد به بنادر ایران را ندارند، تحریم کشتی‌ها توسط ایران نیز معلوم نیست اثر زیادی داشته باشد.

کوروش احمدی افزود: ایشان می‌گوید هر کشتی که در دو سوی تنگه هرمز به حرکت در بیاید و قصد حرکت به سوی تنگه را داشته باشد، وارد فهرست تحریمی ایران می‌شود. فکر می‌کنم توضیحات بیشتری در این رابطه ضروری است. احتمالاً منظور ایشان کشتی‌هایی است که بدون هماهنگی با ایران از تنگه عبور می‌کنند.

وی با تأکید بر محدودیت اثرگذاری چنین اقدامی در شرایط فعلی گفت: مسئله این است که تا قبل از برداشته شدن محاصره دریایی و باز شدن تنگه هرمز، تحریم این کشتی‌ها توسط ایران اثربخشی کافی ندارد.

دیپلمات پیشین توضیح داد: در شرایطی که به‌دلیل محاصره، کشتی‌ها امکان تردد به بنادر ایران را ندارند، تحریم کشتی‌ها توسط ایران نیز معلوم نیست اثر زیادی داشته باشد.

احمدی درباره تفاهم ایران و عمان نیز گفت: توافقی که با عمان حاصل شده یا همچنان در دست مذاکره است، ظاهراً تنها به تعیین مسیر تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز مربوط است و ارتباطی با باز کردن تنگه و تردد عملی کشتی‌ها ندارد. مقام‌های ایرانی تأکید کرده‌اند که برای تردد کشتی‌ها لازم است پیش از آن با آمریکا توافقی حاصل شود. کوروش احمدی، دیپلمات پیشین، با اشاره به اهداف کوتاه‌مدت دولت ترامپ در قبال ایران گفت: فعلاً هدف اصلی دولت ترامپ باز کردن تنگه هرمز است. آن‌ها مدعی‌اند که نفتی معادل نصف یا دو سوم میزان نفت پیش از جنگ را از خلیج فارس عبور می‌دهند. حتی اگر این ادعا درست باشد، مسئله این است که این امر تنها به کارگیری گسترده نیروی نظامی ممکن است و حتی با وجود این اقدامات نیز وضعیت تثبیت‌شده نخواهد بود و اختلال در تردد همچنان در تنگه هرمز وجود خواهد داشت.

وی افزود: به‌ویژه در این وضعیت، آمریکا نیاز خواهد داشت هر چند وقت یک‌بار علیه امکاناتی که ایران فراهم می‌کند، دست به اقدامات نظامی بزند. در این صورت، صرف این برخوردهای نظامی می‌تواند در هر مقطع حدود ۱۰ درصد به قیمت نفت اضافه کند.

احمدی بر اینکه آمریکا نیز از ادامه این وضعیت متضرر می‌شود، تأکید و اظهار کرد: به این دلایل، آمریکا نیز منافعی در خاتمه این رویارویی و جنگ دارد و این مسئله ممکن است باعث شود دو طرف به گزینه یک راه‌حل مبتنی بر مذاکره رضایت دهند. این دیپلمات اسبق ایران ادامه داد: البته اگر از بحث تنگه هرمز فراغتی حاصل شود، در این صورت آمریکا متوجه برنامه هسته‌ای و موجودی اورانیوم خواهد شد.